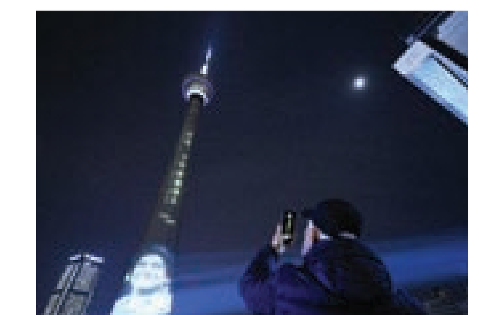
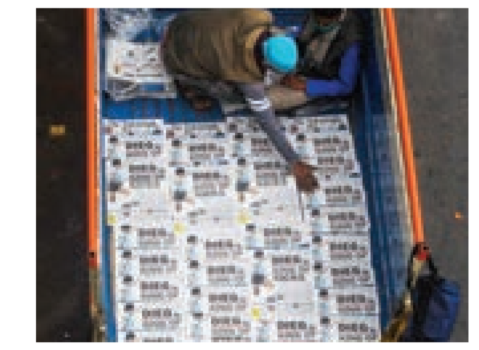
شهرآرا
روزنامه شهرامید وزندگی
شنبه
۰۸ آذر ۱۳۹۹
۱۲ ربیع‌الثانی ۱۴۴۲
شماره ۳۲۶۰
SHAHRARANEWS.IR
۰۶
ورزشی

عکس خبری


یک کافه در شهر استانبول با عکس های مارادونا


استادیوم سن پائولی ناپل که قرار است نام دیگو بگیرد


عکس مارادونا روی برج ۴۱۷ متری تیانجین چین


روزنامه هایی با عکس یک مارادونا در اندونزی


طرفداران مارادونا در شهر بوئنوس آیرس


روشن ماندن چراغ جایگاه مارادونا در ورزشگاه بوکاجونیورز


سوگواری مردم ناپل درکنار نقاشی دیواری مارادونا


نقاشی مارادونا روی خرابه های دیواری در ادلب سوریه

بارها دیدم افرادی را که با دیدن مارادونا اشک می‌ریختند

تنها بازیکن ایرانی که فرصت کار کردن با مارادونا را داشته است

محمدرضا خلعتبری در الوصل امارات سابقه همکاری با دیه‌گو مارادونا، اسطوره آرژانتینی فوتبال دنیا، را در کارنامه دارد. مهاجم ریزنقش سپاهان که آن زمان در دوران اوج فوتبالی خودش بود، به‌عنوان تنهاشاگرد ایرانی مارادونا این فرصت را داشت که برای مدتی در کنار این اسطوره فعالیت کند. خلعتبری به بهانه درگذشت مارادونا از خاطراتش با بهترین فوتبالیست جهان در قرن بیستم صحبت کرد و گفت: خب واقعا برایم خبر سختی بود. از زمانی که این خبر را شنیدیم، واقعا ناراحت‌کننده بود. شاگرد ایشان بودم و یک فصل خیلی خوب را در کنار ایشان در باشگاه الوصل امارات داشتم و واقعا از این اتفاق ناراحتم و قابل‌هضم نیست. به جامعه فوتبال تسلیت می‌گویم و نمی‌دانم چه باید بگویم. مثل یک شوخی می‌ماند و قابل درک نیست. از این اتفاق خیلی ناراحتم. یک فصل خوب را در کنار ایشان در الوصل داشتم، بازی‌های خیلی خوبی را در کنار هم داشتیم و متأسفانه این اتفاق افتاد و همه در شوک هستیم. مارادونا که از او به‌عنوان بهترین بازیکن دنیا یاد می‌شود و این اتفاق را باید تسلیت بگوییم. ملی‌پوش سابق فوتبال کشورمان همچنین گفت: یکی از افتخارات فوتبالی من شاگردی مارادوناست. در دوره‌ای که با ایشان در الوصل امارات بودم، از فوتبال‌بازی‌کردن لذت می‌بردم و همه‌چیز سر جایش بود. مارادونا وقتی به تمرین می‌آمد، با همه بازیکنانش روبوسی می‌کرد. برای او فرقی نمی‌کرد که بازیکن اماراتی است، بازیکن جوانی است که به تیم اضافه شده یا بازیکنی خارج از کشور امارات است. او همه را به یک چشم نگاه می‌کرد. من یک نیم‌فصل با او بودم و راستش باورم نمی‌شد که با مارادونا کار می‌کنم. وی درباره ویژگی‌های مارادونا با توجه به همکاری که با وی داشته است، گفت: در آن فصلی که شاگرد ایشان بودم، خیلی چیزها از او یاد گرفتم. برای او، منی که از ایران رفته بودم با بازیکنی از امارات هیچ فرقی نمی‌کرد و به همه احترام می‌گذاشت. بعضی اوقات می‌دیدم که کسانی برای دیدن و عکس‌گرفتن با او ۳ روز در سفر بوده‌اند و او با چه احترامی با آن‌ها برخورد می‌کرد. از نقاط مختلف جهان برای دیدن مارادونا به امارات سفر می‌کردند. بارها اتفاق افتاد که ما دیدیم مردم از دیدن مارادونا به‌قدری هیجان‌زده می‌شدند که اشک شوق از چشمانشان جاری می‌شد. هر چه فکر می‌کنم، این اتفاق برایم قابل‌هضم نیست و روزهای خوبی را در کنار ایشان داشتیم؛ به‌ویژه در تمرینات که نزدیک‌تر به ما بود و فوتبال بازی می‌کرد. دوران خوبی را در کنار ایشان داشتیم. مخصوصا اینکه مارادونا با آن عظمت می‌آمد و با یک جوان پانزده‌شانزده‌ساله کار می‌کرد و با همه محترمانه رفتار می‌کرد. بازیکن ریزنقش و تکنیکی سپاهان در ادامه صحبت‌هایش گفت: مارادونا واقعا بازیکن و مربی بسیار خوبی بود و یادم هست با همه بازیکنان بسیار مهربان بود. او می‌دانست همه بازیکنان دوست دارند از او یادگاری بگیرند. قبل از هر بازی ۲ پیراهن و یک استوک که نامش روی آن‌ها حک شده بود، به رختکن می‌آورد و بین حاضران قرعه‌کشی انجام می‌داد که یک‌بار من برنده دریافت پیراهنش شدم و هنوز پیراهن شماره ۱۰ تیم ملی آرژانتین را که نام مارادونا پشت آن حک شده است، به‌عنوان یک یادگاری بسیار ارزشمند حفظ کرده‌ام.



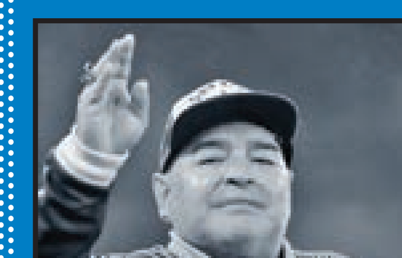


دیوانه از قفس پرید

تک‌نگاری‌هایی از زندگی سفید، آبی و سیاه مارادونا

هیچ‌کس به‌اندازه مارادونا در این چند سال به مرگ کامبک نزده بود. آن‌قدر به زنده‌ماندنش اعتماد داشتیم که وقتی خبر اولیه فوتش مخابره شد، مطمئن بودیم مثل دفعه‌های قبل، خیلی زود تکذیب می‌شود؛ اما متأسفانه این‌بار اسطوره قصد بازگشت نداشت. او رفت و حالا کافران فوتبال به‌راحتی می‌توانند بگویند فوتبال خدا ندارد. بله متأسفانه از الان به بعد حق با آن‌هاست. مارادونا تنها یک بازیکن و نماد نبود، او یک‌تنه به‌اندازه همه اساطیر همه رشته‌های ورزشی، وزن، اعتبار و جایگاه داشت. کدام نام در کدام رشته ورزشی هم‌سنگ او به شهرت رسید و چند دهه با قدرت تمام در آن بالا ماند؟ همه آنچه امروز مسی دارد، از کفه ترازوی قیاسش با دن دیه‌گو است. پسرک موفرفری لاغراندام تنها و تنها ۱۵ سال سن داشت که بزرگ‌ترین مأموریت همه زندگی‌اش را انجام داد؛ قبل از آنکه جهان فوتبال او را بشناسد و میلیاردها نفر شیفته جادویش شوند. او در همان پانزده‌سالگی کاری را کرد که تا روز پایان زندگی از بابت انجامش رضایت‌خاطر تمام داشت. یک خانواده پرجمعیت، پدری کارگر و زحمتکش که حتی یک خانه معمولی برای زندگی‌کردن نداشتند. جادوی اول همان روز بود. لحظه‌ای که پسر کوچک خانه، یک‌تنه دست همه خانواده را گرفت و به یک خانه آبرومند برد و دیگر به محله کثیف سابق برنگشتند. اگر از آن تاریخ به بعد به‌خاطر یک تصادف یا هر حادثه تلخ دیگری فوتبالش تمام می‌شد، باز هم او رسالت اصلی‌اش را انجام داده بود. طوری که بعدها در مستند آصف کاپادیا به‌صراحت گفت «هدفم نجات خانواده‌ام از آن محله کثیف بود که انجامش دادم». باقی برای دل خودش بود و مبتلاکردن میلیون‌ها نفر به جادویش. قصه دیه‌گو آرماندو مارادونا هیچ نقطه ناگفته‌ای ندارد که تا امروز کسی به آن نپرداخته باشد، او همانی بود که باید باشد. در متر متر خاورمیانه، در سانت‌به‌سانت آمریکای لاتین، در هر کجایی از جهان در دهه ۸۰ و ۹۰ میلادی که چند پسربچه با پای برهنه به‌دنبال یک توپ پلاستیکی می‌دویدند، آرزو و رؤیایی جریان نداشت جز مارادوناشدن، جز مارادونابودن. معجزه از این بالاتر؟ پیشرفت از این بیشتر؟ مارادونا چه چیزی می‌خواست که به آن نرسید؟ نقطه سیاه زندگی مارادونا که بیراه نیست اگر بگوییم همان باعث شد در شصت‌سالگی و خیلی زود از بین ما برود، همان گرد سپید کوکائین بود. او در مستندی که چند سال قبل امیر کاستاریکا درباره‌اش ساخت، خیلی صریح و بی‌پیرایه اعتراف کرد و گفت: من فوتبالیست خوبی بودم، اما اگر این گرد سفید نبود، می‌توانستم بهتر هم باشم. همین یک جمله نشان می‌دهد که اعتیاد او به موادمخدر چه ضربه مهلکی به جهان فوتبال زد. تصور کنید مارادونا از آن چیزی که ما دیدیم، بهتر هم می‌شد! تصورش هم باعث ترشح آدرنالین می‌شود. آن‌قدر به مرگ کامبک زده بود که شامگاه ۲۵نوامبر وقتی خبر مرگش را رسانه‌های مختلف جهان می‌زدند، ته دلمان قرص بود که باز هم خبر تقلبی است. مارادونا قرار نیست به این زودی‌ها برود. ۲ هفته قبل با وضعیتی اورژانسی از ناحیه مغز عمل جراحی انجام داد و وقتی به سلامت بیرون آمد، خودمان را آماده کرده بودیم که دست‌کم ۱۰ سال دیگر او را ببینیم؛ اما این‌بار دیگر هیچ فرصتی برای بازگشت نبود. سبک غلط زندگی، هم‌آغوشی جدانشدنی با مواد مخدر، دست‌آخر با بزرگ‌ترین ورزشکار همه اعصار، همان کاری را کرد که نباید. یوهان کرایوف قبل از مرگ و پس از آنکه فهمید دچار سرطان شده است، در جمله‌ای تاریخی گفت؛ فوتبال همه‌چیز به من داد و سیگار همه آن‌ها را گرفت و درمورد مارادونا باید گفت فوتبال به او همه‌چیز داد و تنها او خودش بود که توانست همه‌چیز را این‌گونه بی‌رحمانه از خویشتن بگیرد.


علی کریمی
جادوگر آسیا


روی دستت نخواهد آمد
ستاره سابق فوتبال ایران یکی از افرادی بود که با لقب مارادونا در آسیا هنرنمایی می‌کرد.


علی دایی
شهریار فوتبال

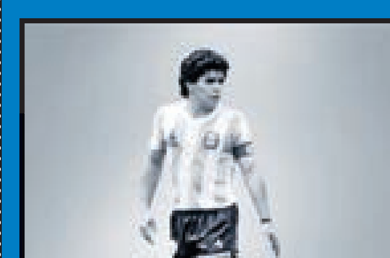


مارادونا معجزه‌ای در زمین فوتبال بود
آقای گل فوتبال کلیپی از هنرنمایی مارادونا در دیدار برابر انگلستان را پست کرده است.


مهدی مهدوی‌کیا
موشک ایرانی


چقدر تلخ. با مارادونا عاشق فوتبال شدیم و نبودنش چقدر برای عاشقان فوتبال دردناک است.
دل‌نوشته غمگین کاپیتان سابق تیم ملی در اندوه مرگ مارادونا.


وحید هاشمیان
هلی‌کوپتر


روحش شاد
گل‌زن سال‌های نه‌چندان دور فوتبال کشورمان نیز با انتشار این پست، نسبت به فوت دیه‌گو مارادونا واکنش نشان داد.

محصولات پول و اشتباه دیه‌گو

۱۰ جنجال بزرگ زندگی و دوران حرفه‌ای دیه‌گو مارادونا



۱۰. علاقه شدید مارادونا به فرار مالیاتی
در ۷سال حضورش در تیم ناپولی، مارادونا تقریبا هیچ مالیاتی نپرداخت. مقامات ایتالیایی برآورد کرده‌اند که وی بیش از ۳۷میلیون یورو مالیات بدهکار است، اما ال‌دیه‌گو نظر دیگری داشت: «چرا من باید مالیات بدهم و آن‌ها ندهند وقتی من زندگی‌ام را برای ناپولی دادم؟»

۹. مسئله فرزندان
به نظر می‌رسد که فرزند مارادونابودن، حس خوبی داشته باشد؛ اما فرزندان نامشروعش، مارادونا در تمام طول زندگی خود از پذیرفتن آن‌ها خودداری کرد. او در اواخر عمر بالاخره جونیور، فرزند پسر خود را پذیرفت؛ ولی بارها گفته بود: فرزندان مشروع من تنها «دالما» و «جیانینا» هستند. بقیه محصول پول و اشتباهات من هستند.

۸. رؤیای برزیلی مارادونا
در سال ۲۰۰۸، مارادونا لباس زرد برزیل را پوشیده و شانه‌به‌شانه رونالدو و کاکا، سرود ملی برزیل را خواند. این اتفاق به مذاق آرژانتینی‌ها خوش نیامد اما به شیوه‌ای به منتقدانش پاسخ داد که تنها از ال‌دیه‌گو برمی‌آمد: از اینکه پیراهن برزیل را می‌پوشم، خوش حالم؛ اما هرگز پیراهن ریورپلاته را نخواهم پوشید.

۷. مشکلات جسمانی و فرار از مرگ
شاید مارادونا یکی از بهترین بازیکنان تاریخ فوتبال باشد؛ اما او در تمام زندگی‌اش با کوکایین دست‌به‌گریبان بود. او اولین‌بار زمانی که برای تیم بارسابازی می‌کرد، به مصرف کوکایین روی آورد؛ اما در دوران حضورش در ناپولی بود که به‌طور کامل به این ماده مخدر اعتیاد پیدا کرد.

۶. مسئله ناپل
مارادونا در ناپل یک بت بود. اگر ایتالیا و آرژانتین در نیمه‌نهایی جام‌جهانی ۹۰ به هم برخورد نمی‌کردند، هیچ چیزی نمی‌توانست به این مسئله خدشه وارد کند. این بازی با برنامه‌ریزی عجیب فیفا در ناپل انجام شد که باعث دودستگی شدید بین مردم شهر شد. مارادونا پیش از بازی در اظهارنظری جنجالی گفت که ناپل جزو ایتالیا نیست و مردم این شهر از آرژانتین حمایت می‌کنند. پیروزی آرژانتین در این بازی باعث شروع دوران افول او در ناپل شد و همه حواشی زندگی او ازجمله ارتباطاتش با سران مواد مخدر بعد از این بازی افشا شد.

۵. دست خدا
دست خدا هنوز هم به‌یادماندنی‌ترین سکانس جام‌جهانی ۱۹۸۶ است و باعث شد مارادونا در چشم بسیاری از طرفداران انگلیس به یک شرور نابخشودنی تبدیل شود. اما آیا دیه‌گو مارادونا اهمیتی می‌داد؟ او در برنامه درباره جنگ فالکلند گفته بود: هر کسی که از یک دزد دزدی کند، یک عفو صدساله دریافت می‌کند.

۴. تیراندازی به روزنامه‌نگاران
قبل از جام‌جهانی ۹۴ خبرنگارانی که به‌طور زنده از محل زندگی‌اش گزارش می‌دادند، خود را زیر شیلنگ‌های آب آن‌سوی دیوار خانه مارادونا دیدند و بعد از آن بود که اوبا تفنگ بادی شروع به تیراندازی به‌سمت آنان کرد. مارادونا به‌خاطر این حمله به حبس تعلیقی محکوم شد.

۳. اخراج از جام‌جهانی۹۴
همواره گفته می‌شود که دیه‌گو مارادونا دشمن اصلی خودش بود و جام‌جهانی ۱۹۹۴ این موضوع را ثابت کرد. بعد از بازی با نیجریه تست افدرین او مثبت اعلام شد و از ادامه تورنمنت محروم گردید. او در واکنش به این تصمیم گفت: آن‌ها مرا از فوتبال بازنشسته کردند. فکر نمی‌کنم که دیگر دنبال انتقام دیگری باشم، قلبم شکسته است.

۲. رقابت نه‌چندان‌دوستانه با «پله»
بحث بر سر اینکه جایزه بهترین فوتبالیست تاریخ فوتبال باید به پله برسد یا مارادونا همچنان ادامه دارد، درحالی‌که نام مسی و رونالدو نیز به گل‌آلودشدن این آب افزوده است. در جریان مراسم فیفا در سال ۲۰۰۰، مارادونا بعد از دریافت جایزه‌اش به‌سرعت صحنه را ترک کرد تا مطمئن شود «پله» را نمی‌بیند.

۱. نبرد مرگ‌وزندگی دربرابر اتلتیک‌بیلبائو
آندونی گویکوئتسکا معروف به قصاب بیلبائو بازیکنی بسیار تنومند بود و تکل‌های خشنی می‌زد. در یکی از بازی‌های لالیگا در سال ۱۹۸۳ در نیوکمپ، گویکو از پشت تکلی بسیار هولناک روی پای دیه‌گو زد و مچ پای او را خرد کرد. چند ماه بعد پیش از شروع فینال کوپادل‌ری بین بارسا و بیلبائو تنش بالا گرفته بود؛ زیرا ادعا شد که گویکو کفشی که با آن پای مارادونا را خرد کرده بود، در یک ویترین شیشه‌ای در خانه‌اش گذاشته است. درنهایت در این مسابقه درگیری شدیدی بین بازیکنان ۲ تیم رخ داد؛ درحالی‌که مارادونا بالاوپایین می‌پرید و به بازیکنان حریف حمله می‌کرد، از جمله ضرباتی انتقام‌جویانه به گویکو.

این شماره تا ابد مال من است

۱۰ جمله تاریخی اسطوره شماره ۱۰ فوتبال جهان



1 بازیکنی را دیدم که وارث جایگاه من در تیم ملی آرژانتین خواهد شد. اسم او مسی است. او یک نابغه است.
2 مادرم بر این باور بود که من بهترین هستم و من نهایت تلاش خود را به کار گرفتم تا ثابت کنم که همیشه حق با مادرم است و او دروغ نمی‌گوید.
3 از هر چیزی که از آمریکا می‌آید، بیزار هستم. با تمام اعضای بدنم از این کشور بدم می‌آید.
4 درباره اینکه بهترین بازیکن تاریخ جهان از بین من و پله چه کسی است، اختلاف‌نظری وجود ندارد. همه من را انتخاب می‌کنند.
5 من مارادونایی هستم که گل می‌زند و مرتکب اشتباه می‌شود. می‌توانم مسئولیت هر کاری را که انجام داده‌ام، بر گردن بگیرم. بازوان و شانه‌هایم آن‌چنان قوی است که می‌توانم با هر کسی مبارزه کنم.
6 می‌توانم عذرخواهی کنم و دوباره برای تغییر تاریخ برگردم؛ اما گل من برابر انگلیس پذیرفته شد و آرژانتین قهرمان جهان شد و من هم بهترین شدم.
7 هر اتفاقی که بیفتد و هر کسی که مربی شود، همه دنیا می‌دانند که پیراهن شماره ۱۰ تیم ملی مال من خواهد بود، برای همیشه.
8 پیروزشدن مقابل ریورپلاته در سوپرکلاسیکو مثل این است که مادرت صبح تو را با یک بوسه از خواب بیدار کند، دلنشین و شیرین.
9 من اشتباه کردم و هزینه‌اش را هم پرداخت کردم؛ ولی خدشه‌ای به توپ وارد نمی‌شود.
10 من معتاد به موادمخدر بوده، هستم و خواهم بود. کسی که در مواد مخدر غوطه‌ور است، هر روز باید با آن مقابله کند.

روزنامه‌های جهان



روزنامه گاتزتا
GAZZETTA
برای همیشه ۱۰
«بوینس‌آیرس» و «ناپل» پر از مردمی است که برای وداع با دیه‌گو مارادونا به خیابان‌ها ریخته‌اند. در ناپل مردم اشک می‌ریزند و با پیراهن دیه‌گو در خیابان هستند.



روزنامه توتو
TUTTO
ورزشگاه مارادونا
ورزشگاه سن‌پائولو تبدیل به ورزشگاه دیه‌گو مارادونا خواهد شد. یاد دیه‌گو برای همیشه زنده است.



روزنامه مارکا
MARCA
همه را رها کرد
وداع با دیه‌گو مارادونا صحنه‌های جالب و باشکوهی را ایجاد کرده است. بیرون کاخ ریاست‌جمهوری آرژانتین غوغاست.



روزنامه موندو
MUNDO
برای من گریه کن، آرژانتین
یک آرژانتین درغم و اندوه ازدست‌دادن دیه‌گو مارادونا اشک می‌ریزد. برای وداع با او در بوینس‌آیرس صف بسته‌اند.



اسپورت
SPORT
عزای جهانی
روزنامه کاتالانی اسپورت، تصاویر مختلفی از حزن و اندوه مردم در کشورهای مختلف را به نمایش گذاشته است.



اکیپ
EQUIPE
تمام دنیا اشک می‌ریزد
روزنامه فرانسوی هم عکسی از ناراحتی مردم این کشور در غم ازدست‌دادن مارادونا منتشر کرد.

شهرآرا
روزنامه شهرامید وزندگی
شنبه
۰۸ آذر ۱۳۹۹
۱۲ ربیع‌الثانی ۱۴۴۲
شماره ۳۲۶۰
SHAHRARANEWS.IR
۰۷
ورزشی

فوتبال به خاک سپرده شد!

پیکر مارادونا بر خلاف وصیت او بدون حضور مردم دفن شد



پیکر دیه‌گو آرماندو مارادونا درحالی روز گذشته به خاک سپرده شده که این مراسم برخلاف خواسته و وصیت او صورت گرفت. استقبال بی‌حدوحصر مردم بوینس‌آیرس آن‌هم در زمانی که نگرانی‌ها از بیماری کرونا همچنان وجود دارد، مقامات این کشور را برآن داشت تا برنامه‌های خود را تغییر دهند و به‌سرعت مارادونا را دفن کنند. پیش‌ازاین قرار بود تابوت مارادونا ۳ روز در کاخ ریاست‌جمهوری برای آخرین دیدار مردم با او بماند؛ اما یورش مردم و درگیری‌هایی که با پلیس داشتند، این برنامه را تغییر داد. به دستور رئیس‌جمهور آرژانتین همچنین قرار بود جسد مارادونا در کاخ ریاست‌جمهوری این کشور دفن شود، اما این برنامه هم عوض شد و مارادونا در گورستان بلاویستا در کنار پدرومادرش به خاک سپرده شد. مارادونا وصیت کرده بود در مراسم خاک‌سپاری او همه مردم شرکت کنند؛ اما این اتفاق هم نیفتاد و او درحالی به خانه ابدی رفت که حداکثر ۴۰ نفر در مراسم خاک‌سپاری او حضور داشتند.

همسر اول مارادونا، برنامه‌ریز مراسم خاک‌سپاری
هماهنگ‌کننده اصلی خاک‌سپاری دیه‌گو، همسر اول او، کلودیا ویافانه بود. بر اساس ادعای روزنامه اوله، کلودیا ویافانه به‌عنوان صاحب‌عزا تصمیم گرفته بود که چه کسانی در مراسم خاک‌سپاری همسرش شرکت کنند. تنها شخصی از دنیای فوتبال که در مراسم خاک‌سپاری او شرکت داشت، گیرمو کوپولا بود؛ مربی‌ای که دیه‌گو در دوران نوجوانی با هدایت او به‌عنوان یک جوان آینده‌دار مطرح شده بود. با اینکه مردم اجازه پیدا نکردند در مراسم خاک‌سپاری دیه‌گو شرکت کنند، در زمان حرکت کاروان موتوری حامل تابوت دیه‌گو مارادونا به‌سمت گورستان بلاویستا، علاوه بر اتومبیل‌های متعددی که کاروان حامل او را مشایعت می‌کردند، هزاران نفر از مردم بوینس‌آیرس در مسیر حرکت این کاروان ایستادند و برای آخرین‌بار با اسطوره‌شان خداحافظی کردند. عبور کاروان حاوی پیکر مارادونا با تمهیدات گسترده امنیتی همراه بود و موتورسواران پرتعداد پلیس در کنار کاروان حرکت می‌کردند و اجازه اخلال نظم را نمی‌دادند. تابوت حاوی پیکر مارادونا درحالی به گورستان بلاویستا رسید که پرچم آرژانتین روی آن کشیده شده بود. افراد حاضر در گورستان برای آخرین وداع با مارادونا بر اساس گزارش اختصاصی روزنامه اوله، فقط ۴۰ نفر بودند. حلقه اول تشییع‌کنندگان شامل ۵ خواهر دیه‌گو و تنهابرادرش لالو و البته کلودیا، همسر اول او بود. دامادهای دیه‌گو و خواهرزاده‌های او در حلقه بعدی قرار داشتند. یکی دیگر از کسانی که حضور او در این مراسم گزارش شد، جوزپه مانزو، سفیر ایتالیا در آرژانتین است. سفیر اهل ناپل و هوادار ناپولی به‌عنوان نماینده دوست‌داران دیه‌گو در این شهر در مراسم خاک‌سپاری شرکت کرده بود. وزیر امنیت داخلی ایالتی آرژانتین هم به‌عنوان مسئول تأمین امنیت و برگزاری مراسم در گورستان حاضر بود. چند نفر از دنیای مطبوعات و رسانه نیز در خاک‌سپاری دیه‌گو شرکت داشتند. لوچیانو مالاتینی که کتابی درباره مارادونا نوشته و مارتین آروالو روزنامه‌نگاری که همیشه به دیه‌گو نزدیک بوده است نیز در این مراسم حضور داشتند. مطبوعات و رسانه‌ها در آرژانتین از طریق پهپادها بر این مراسم نظارت داشتند و تصاویری از آن منتشر کردند. برگزارکنندگان با هدف جلوگیری از انتشار عکس‌های حساس از آخرین خداحافظی خانواده با دیه‌گو، بالای آرامگاه ابدی او چادری نصب کرده بودند که گرفتن عکس دقیق از روند خاک‌سپاری را برای پهپادها غیرممکن کرده بود.

چه کسانی تابوت مارادونا را حمل کردند؟
در خط اول حمل‌کنندگان تابوت دیه‌گو، گیرمو کوپولا و هرنان لوپز مارادونا، برادرزاده دیه‌گو حضور داشتند. در پشت این ۲ نفر، یانا، یکی از دختران دیه‌گو، حضور داشت و در سوی دیگر نیز لالو مارادونا زیر تابوت پدرش را گرفته بود. در پشت این ۲ نفر دالما، دختر دیه‌گو و آندرس کالدارلی همسر دالما دیده می‌شدند. در آن سوی تابوت، پشت‌سر یانا، جیانینا، یکی دیگر از دختران دیه‌گو، دیده می‌شد. ال پولو، دوست قدیمی دیه‌گو، نیز در کنار تابوت او حضور داشت. گابریل اسپوزیتو، همسر بئاتریز، یکی از خواهران دیه‌گو، نیز آخرین نفری بود که در کنار تابوت او حضور داشت. از دیه‌گو ۵ فرزند به جا مانده است. دلما و جانینای ۳۳و۳۱ساله از همسر اولش کلودیا هستند که بین سال‌های ۱۹۸۴تا۲۰۰۴ باهم زندگی می‌کردند. دیه‌گو فرناندو با ۷سال سن، کوچک‌ترین فرزند مارادوناست و او در ۵سال گذشته نیز بالاخره تأیید کرد که دیه‌گو جونیور ۳۴ساله و جانای ۲۳ساله نیز فرزندان او هستند؛ فرزندانی که نتیجه ارتباط‌های کوتاه‌مدت او هستند.

در آخرین ساعات زندگی بر مارادونا چه گذشت؟
چهارشنبه صبح مارادونا مانند روزهای دیگر از خواب بیدار شد، اما حوالی ظهر دچار حمله قلبی شد و درنهایت این فاجعه بزرگ برای دنیای فوتبال رقم خورد. در روز ۲۵ نوامبر مارادونا صبح بیدار شده، کمی صبحانه می‌خورد و قدم می‌زند. او برای صرف صبحانه در کنار خانواده به سر میز آمده و درحالی‌که رنگ‌پریده و پریشان به نظر می‌رسیده، به اطرافیانش گفته احساس سرما می‌کند و وضعیت مساعدی ندارد. در ادامه مارادونا به برادرزاده‌اش گفته است احساس درد و بیماری دارد و بعد نیز به رختخواب خود برای استراحت می‌رود. در ادامه نوبت استراحت ظهرگاهی برای بازیابی انرژی فرا رسیده بود. کادر پزشکی مارادونا از سوئیس آمده و شامل روان‌شناس، روان‌پزشک و پرستارانی برای درمان او بودند. وقتی پرستار قصد داشته مارادونا را برای خوردن دارو در حوالی ظهر بیدار کند، متوجه می‌شود او از حال رفته است. ابتدا شایعه‌هایی درباره اینکه پزشک همسایه بر سر بالین مارادونا حاضر شده، منتشر می‌شود که البته بعد تکذیب شد. آمبولانس فوری به محل می‌رسد، اما عملیات احیا فایده‌ای نداشته و مارادونا جان خود را از دست می‌دهد. اطرافیان مارادونا می‌گویند او در هفته‌های اخیر به‌علت بیماری و البته شیوع ویروس کرونا از عشق خود، فوتبال، دور بود و روحیه خوبی نداشت.

وصیت‌نامه غیررسمی مارادونا
چیزی درباره وصیت‌نامه رسمی دیه‌گو مارادونا منتشر نشده، اما دست‌کم در ۲ جا او به‌طوررسمی خواسته‌های خود را برای بعد از مرگش گفته است. مارادونا در روز ۱۳اکتبر یعنی حدود ۲ماه قبل در نامه‌ای نوشته بود: من، دیه‌گو مارادونا، با اراده خود می‌خواهم بعد از مرگم به‌صورت مومیایی به نمایش مردم گذاشته شوم. این وصیت هنگامی گفته شد که مارادونا در یک نشست و گفت‌وگوی غیررسمی در روزهای قرنطینه به‌دلیل شیوع ویروس کرونا با نزدیکان و وکیل خود صحبت می‌کرد. وقتی که در این جلسه موضوع ساخت مجسمه برای ادای احترام به ورزشکاران بزرگ مطرح شد، مارادونا گفت: من مجسمه‌ای نمی‌خواهم. آن‌ها را دوست ندارم؛ زیرا گاهی اوقات آن‌ها شبیه به شخص نیستند. من دوست دارم روزی که می‌میرم، مردم مرا ببینند و به من سلام کنند. وکیل او نیز در جواب مارادونا، عنوان کرد که برای این کار باید تو را مومیایی کنیم و این اسطوره فقید هم در جواب اعلام کرد که پس من می‌خواهم بعد از مرگ مومیایی شوم. مارادونا پیش‌تر در سال ۲۰۰۵ در یک La Noche del ۱۰ که به ابتکار مسئولان این برنامه خود مارادونا از خودش سؤال می‌کرد، گفته بود که می‌خواهد روی سنگ‌قبرش بنویسند «ممنون از توپ». باید دید خانواده او به وصیت‌های دیه‌گو عمل می‌کنند یا نه.


مورینیو
دیه‌گو قلب خیلی بزرگی داشت. دلم برای این مرد تنگ می‌شود. من بارها از دیه‌گو برای بازیکنانم گفتم؛ از تلفن‌هایی که او بعد از شکست‌ها می‌زد و سعی می‌کرد روحیه بدهد. دیه‌گو هرگز بعد از پیروزی به من زنگ نمی‌زد؛ فقط بعد از شکست.


رونالدو
امروز دنیا با یک نابغه ابدی خداحافظی می‌کند. مارادونا یکی از بهترین‌های تاریخ بود. مارادونا خیلی زود از بین ما رفت؛ اما میراثی بدون مرز به‌جای گذاشت و البته جای خالی مارادونا هرگز پر نخواهد شد. در آرامش بخواب اسطوره، تو هرگز فراموش نخواهی شد.


مسی
یک روز خیلی ناراحت‌کننده برای تمام آرژانتینی‌ها و دنیای فوتبال، دیه‌گو از این دنیا رفت؛ اما همچنان با ماست، چراکه او جاودانه است. به تمام خانواده و دوستانش تسلیت می‌گویم. در آرامش بخواب دیه‌گو.


زیدان
نه فقط برای فوتبال، بلکه برای کل دنیا ناراحت‌کننده بود. او بازیکنی بود که همه دوست داشتند مثل او باشند. هر بچه‌ای می‌خواست شانس هم‌صحبتی با او را پیدا کند تا به او بگوید که او چه بازیکن بزرگی است.


سیمئونه
سخت است که وقتی به شما زنگ می‌زنند و خبر درگذشت دیه‌گو مارادونا را می‌دهند. در این شرایط با خود می‌گویید «دیه‌گو نمی‌تواند بمیرد». یک اسطوره از جمع ما جدا شد، یک آرژانتینی که با سرکشی خاص خود و با نکات مثبت و منفی خود می‌جنگید.


پلاتینی
با توجه به وخامت حالش، انتظار این خبر را داشتم. بارها گفته‌ام کاری را که زیدان با توپ انجام می‌داد، دیه‌گو می‌توانست با یک پرتغال انجام دهد. دیه‌گو می‌توانست یک شعبده‌باز خیابانی باشد.


گتوزو
مارادونا با پیراهن شماره ۱۰ نماد کل مردم این شهر بود. در ناپل اسم خیلی‌ها دیه‌گو است. من خاطرات بی‌نظیری از دیه‌گو دارم؛ حتی چندباری با او غذا خوردم. دیه‌گو مرده، ولی هرگز نخواهد مرد؛ چراکه او یک انسان استثنایی بود.


بیلسا
هر کاری که مارادونا به‌عنوان یک فوتبالیست کرده، آن‌قدر زیباست که هیچ چیز دیگری قابل مقایسه با آن نیست. مارادونا هنرمند بود. هنر او چنان خارق‌العاده بود که می‌توان در پذیرش عامش به‌عنوان یک هنرمند نشانه‌های آن را دید.